

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نیاشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

همایون "باختریانی"

اول ماه می ۲۰۱۶

تنظیم و ویرایش: پورتال

## دیوان

"عبدالله شهاب ترشیزی هروی"

۱۵

قصائد

-۱۱-

## در شکوه از روزگار

(این قطعه است؛ سه بیت آخر در قطعات موجود است؛ لطفاً در قطعات بپسینید)

چون مبدل شد به قهر، آن لطفهای بی حساب؟  
کاین مصیبتها به بیداری ست یارب یا به خواب  
ورنه از نقصانِ درهم، نیستم در اضطراب  
پیش من، صد ره گواراتر بو از شهد ناب  
می کنند از ناحفاظی، ژاژخائی چون دواب  
این عجب، کز لشکر شیطان زبون آمد، شهاب  
نوکران بی گنه را از چه، داری در عذاب؟

حاش لله!!! از عنایت‌های ارباب غرض  
از تحیر روز و شب با خویشتن در حیرتم  
از شماتت‌های اعدا، خاطر من درهم است  
با شماتت‌های اعدا، خوردن زهر اجل  
وان گروه بی ادب در هر کجا گردند جمع  
ار شهاب از لشکر شیطان رَمَد، نبود عجب  
بر من است این ادعا، از من نمی پرسی چرا؟

صاحبها، فرخ نژادا، سرفرازا، سرورا!  
نخل قدر من چو گردید از سموم دهر خشک  
گشت امید مرا، چون کورد دوران پایمال  
سبز بودم از تو، و هم خشک گردیدم ز تو  
این نه اول کینه بوده با منش، این چرخ را  
برشمارم چند کس را، در زمان دولتت  
لشکر آوردند، کین جُستند و خونها ریختند  
(دِرْع<sup>۱</sup> بخت من مگر بود از بسیج عنکبوت  
یا حباب بوده ست، بنیاد و اساس قدر من  
ای دعای دولتت، ورد زبان شیخ و شاب  
بعد ازین خواهی به آتش افگنش، خواهی به آب  
چه بختند برق بر وی، چه برو گردید سحاب  
نیستم غمگین چرا، کاین است رسم آفتاب  
ای بسا بنیاد، کز سیل حوادث شد خراب  
بارها کردند بر عصیان و طغیان ارتکاب  
هیچ با ایشان نبودت، داوری و احتساب  
کان ز هم بگسست از یک جنبش پر دُباب<sup>۲</sup>  
کز نسیمی گشت در یک دم تبه، با صد شتاب

من چه باشم خواه غمگین، خواه خرم در جهان؟

قصر اقبال تو دایم دور باد از انقلاب)

---

<sup>۱</sup> "دِرْع" (به کسر اول) : کلمه عربی و در معنای "زره" یا "لباس جنگ"  
<sup>۲</sup> "دُباب" (به ضم اول) : کلمه عربی و در معنای "مگس"